



فعالیت اعضا

استقلال به عنوان یک حسابرس داخلی واقعاً به چه معناست؟

یک رویکرد منظم و منظم برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرایندهای مدیریت ریسک، کنترل و حاکمیت، به اهداف خود دست یابد. به گفته آقای لنز، رئیس حسابرسی داخلی یکی از شرکت‌های بورسی آمریکا، استقلال در حسابرسی

تعریف انجمن بین‌المللی حساب‌رسان داخلی «حسابرسی داخلی» را به عنوان «فعالیت تضمینی و مشاوره مستقل، عینی طراحی شده برای افزودن ارزش و بهبود عملیات سازمان می‌داند». این به سازمان کمک می‌کند تا با ارائه

علیرضا قاسمی



داخلی شاید یکی از آن ایده‌هایی باشد که در تئوری بهتر از عمل کار می‌کند. انتظاراتش از حسابرس داخلی این است که هم «ناظر» باشد و هم «مشاور»؛ که یک عمل چالشی است. آقای لنز با اشاره به مشکلات حسابرس داخلی در ایجاد تعادل بین مستقل بودن از عملیات و در عین حال ایجاد ارزش افزوده و سود برای عملیات، توجه مفسران را به آنچه مفسران اغلب به‌عنوان «معمای نقش» و «سرگردانی نقش» می‌نامند، جلب می‌کند. او می‌گوید:

«برخی، حسابرسی داخلی را یک عملکرد اسکیزوفرنی می‌دانند؛ از یک سو باید کاملاً یکپارچه و آگاهانه باشد و از سوی دیگر نیاز به معیاری از استقلال از همه حسابرسان دارد. در نتیجه، آقای لنز «یک قطع ارتباط شناختی داخلی» را به هدف حسابرسی داخلی نسبت می‌دهد.

با اذعان به این تناقض اساسی در ماهیت حسابرسی داخلی در حوزه تجاری گسترده‌تر، که نشان می‌دهد افرادی که در رأس زنجیره غذایی کسب و کار قرار دارند، تا حدودی از ناتوانی حسابرسی داخلی در تعریف درست نقش خود ناامید هستند. آقای لنز خاطرنشان می‌کند: «هیچ تناقضی بین آنچه هیئت مدیره می‌خواهد، آنچه کمیته حسابرسی می‌خواهد و آنچه مدیریت ارشد می‌خواهد وجود ندارد.» بنابراین حسابرسی با وظیفه غیرممکن خشنود ساختن همه بدون هیچ حس واقعی از اینکه چه کسی را اول راضی کند، برای همیشه مواجه است؛ به‌ویژه زمانی که هر یک از طرفین انتظار متفاوتی دارند. آقای لنز دوباره به انجمن بین‌المللی حسابرسان داخلی اشاره می‌کند که اذعان می‌کند زمانی که حسابرسی داخلی سعی می‌کند «به دو ارباب خدمت کند» ممکن است تضادهایی وجود داشته باشد و قابل درک است که «رئیس شما کیست؟». این موضوع می‌تواند مشکلاتی را از نظر بیعت، استقلال و اثربخشی ایجاد کند.

این به نوبه خود نیاز به فیلتر کردن استقلال از بالا به پایین را افزایش می‌دهد؛ به‌طوری که اکثر مدیران عاملی که از رویکرد آزادی بیان با مدیران

ارشد حسابرسی حمایت می‌کنند، آنها را قادر می‌سازند با این درک کار کنند که او باید نظر خود را آزادانه بیان کند. صرف نظر از این موضوع، سناریوهای بالقوه بحث برانگیز لنز خاطرنشان می‌کند که این «توجه ویژه‌ای را به اهمیت ویژگی‌های مدیر حسابرسی جلب می‌کند که احتمالاً مهم‌تر از بحث در مورد استقلال کلی حسابرسی داخلی است».

می‌توان استدلال کرد برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف حسابرسان داخلی، این امر، مستلزم استقلال کامل از مدیریت ارشد است تا هیئت مدیره بتواند برای اطمینان لازم در رابطه با کنترل‌های داخلی، پیشگیری از ریسک و غیره به بخش حسابرسی داخلی خود تکیه کند. لنز می‌گوید: «در غیر این صورت، خطر این است که گزارش‌های حسابرسی داخلی به هیئت مدیره و کمیته حسابرسی به گونه‌ای که فقط آنچه برای مدیریت ارشد خوشایند است، اطلاع‌رسانی شود، توسط مدیریت ارشد فیلتر شود».

اگر حسابرسی داخلی بخواهد استقلال لازم خود را در عمل حفظ کند، باید در روابط خود با هیئت مدیره، کمیته حسابرسی، سهامداران کلیدی کسب و کار و مدیریت ارشد، زمانی را صرف سرمایه‌گذاری کند و گفت و گوی پایدار و قوی با هر یک از طرفین را حفظ کند تا بتواند آن را تداوم بخشد.

علیرضا قاسمی: حسابرس داخلی خبره و عضو انجمن حسابداران خبره ایران